ماه
هزارتکه
پروین مقدم
۲۵

نیرنگ کهنه

نه بیشتر و نه کمتر

سرمای سوزنده روزهای بهمن، روزهایی که زمین و زمان یخ می‌بست و نسیم مثل شمشیر دولبه می‌برید، استخوان از سرما ترک برمی‌داشت، لب‌ها کبود و چشم‌ها می‌شد یک پیاله آب.

کنار دیوار بازداشتگاه برف‌ها روی هم تلنبار شده و یخ بسته بود. باد می‌وزید و نفس‌ها توی هوای غمزده سلول یخ می‌بست. محمدعلی گوشه سلول در خود پیچید، سرما زده، کرخت و زخمی.

پشت سلول اما، قدم‌هایی می‌رفت و برمی‌گشت، همیشه در همان جا و با همان آهنگ منظم و بعد نگاهی از دریچه به داخل سیاهی می‌خزید، یخزده و خیره.

دریچه می‌افتاد و نگاه دوباره پس می‌رفت به درون سیاهی.

محمدعلی گوشش را برای چندمین بار چسباند به دیوار، صدای سلول بغلی بریده بود. از دیوار جدا شد و میان سلول تنگ و تاریک به راه افتاد. انگار شب از نیمه گذشته بود!

آن دو متر جا را بارها و بارها به عادت همیشگی رفته و برگشته بود. بعد پا را پشت پا گذاشته و شمرده بود:

« هفت پا!»

نه بیشتر می‌شد و نه کمتر، نه دیوار پس می‌رفت و نه سقف تکان می‌خورد. هوا مانده، خفه و بوی نا می‌داد. همه چیز مات و بی‌رنگ، گوش داد به صداهایی که از بیرون می‌آمد، فریادهایی که توی گوشش می‌ترکید و با خودش درد می‌آورد.

> *** بازجو ابروهایش را لنگه به لنگه بالا انداخت و گفت: این آقایون مثل من صبر و حوصله ندارن. دستور دارن هر طوری هست ازت حرف بکشن. حالا دیگر از بیخ گلو حرف می‌زد، چشم‌هایش را توی چشم خانه چرخاند و با دلخوری گفت: «چه فایده؟ از کی داری حمایت می‌کنی؟ خیال کردی اگه اونا جای تو بودن وقتی پای جونشون وسط بود، چیکار می‌کردن؟» محمدعلی نیرنگش را دریافته بود. خودش را به نشنیدن زد و منتظر ماند. بازجو با غرولند پیش‌تر آمد و خم شد. چشم در چشم محمدعلی که بندش کرده بودند به صندلی با کینه گفت: «اگه حرف نزنی، طوری می‌زنن که روزی صد دفعه آرزوی مرگ کنی!»**

- خدایا! ... به فریادم بر...س!

به دیوار تکیه داد، دیوار بتنی گرمای تن برهنه‌اش را به خود کشید، تنش مور مور شد. کمر را سر داد، روی زمین نشست، دست‌ها را دور پاها حلقه کرد، چشـم‌ها را بست و سر را گذاشت روی زانوها. پلک‌ها خشک خشـک، شـقیقه‌ها می‌زد و تخم چشم‌ها سوزن سـوزن می‌شد. گرمای زانوها خزید روی شکم و سینه برهنه‌اش و بعد دوید به صورت و پلک‌ها، آرام‌آرام گرم شـد، به خواب رفت، خواب سـرما را دید، قفل دست‌هایش باز شد و از خواب پرید.

روی زمین دراز کشید. از شانه چپ به راست غلتید، پلک‌هایش را به هم فشرد، صداها پیاپی می‌آمد و سوهان می‌کشید به جسمش، به جسمی که ماهها پیش سلول آن را بلعیده بود.

قـوز کرد و زانوها را بغل کرد. پلک‌هایش را باز و بسـته کرد. خواب به چشم‌ها نیامد. نشست، صداها می‌آمد و توی هوای سلول یخ می‌زد،

- خدا...!

شانه‌ها را به دیوار چسباند و لم داد.

- چند وقت گذشته؟ ۶ ماه؟ ۸ ماه؟ یک سال؟

بلند شد و پا را گذاشت پشت پای دیگر و شمرد: یک، دو، سه... هفت پا!

نه بیشتر و نه کمتر!

* * *

آشنایی

محمدعلـی او را شـناخت، از اولیـن باری که او را دیـده بود، ماهها می‌گذشت. موهایش بلند شده بود و ریشش انبوه، از جان افتاده بود، روی صندلی که نشست مانند حلزون دست و پایش را جمع کرد و گره خورد، می‌لرزید، زمستان سیاهی بود و سرما از در و دیوار می‌ریخت، سرو رویش ورم کرده بود. زیر چشم‌ها کبود و خون مرده بود، دو رشته خون مانند دو زالوی نیمه جان تا زیر چانه پهن‌اش لغزیده بود.

- می‌شناسیش؟

محمدعلی سر تکان داد:

«نه!»

بازجو دسـت پیش آورد تا زیر چانه محمدعلی، چانه را با خشم بالا کشید و با غیظ گفت:

«خوب نیگاش کن! می‌شناسیش؟»

نگاه محمدعلی خیره ماند در چشم‌های سرخ زندانی.

- ...

تلفن زنگ خورد. بازجو تنه را برگرداند به سمت تلفن.

زندانی دور از چشم بازجو سری به علامت تأسف تکان داد، محمدعلی در نگاهش همه چیز را خواند. او لو رفته بود، زندانی همه چیز را اعتراف کرده بود.

* * *

نیرنگ کهنه

بازجو از گوشه چشم او را می‌پایید و تند و عصبی سیگار می‌کشید.

- من اصلاً از این شیوه بازجویی خوشم نمی‌یاد؛چرا این همه خشونت، ما دو تا آدمیم، می‌تونیم با هم حرف بزنیم.

محمدعلـی حرفی نزد، بازجو ابروهایش را لنگه به لنگه بالا انداخت و گفت:

«اگه من برم، دیگه از دسـتم کاری واسـه‌ات برنمـی‌آد. دیدی که واسه‌ات اعتراف کردن، حالا روز از نو روزی از نو. اگه خودت مغر نیایی...»

بعد پاهای بزرگش را روی زمین کشید و پیش‌تر آمد.

- این آقایون مثل من صبر و حوصله ندارن. دستور دارن هر طوری هست ازت حرف بکشن.

حالا دیگر از بیخ گلو حرف می‌زد، چشـم‌هایش را توی چشـم خانه چرخاند و با دلخوری گفت:

«چه فایده؟ از کی داری حمایت می‌کنی؟ خیال کردی اگه اونا جای تو بودن وقتی پای جونشون وسط بود، چیکار می‌کردن؟»

محمدعلی نیرنگش را دریافته بود. خودش را به نشنیدن زد و منتظر ماند. بازجو با غرولند پیش‌تر آمد و خم شـد. چشم در چشم محمدعلی که بندش کرده بودند به صندلی با کینه گفت:

«اگـه حرف نزنی، طوری می‌زنن کـه روزی صد دفعه آرزوی مرگ کنی!»

علت تردید خاتمی در انتخابات ۸۸

حزب
مشارکت ایران اسلامی
حزب دولت ساخته
۳
۳۲

> *** با وجود اعلام حضور رسمی، تردیدهای خاتمی که همچنان ادامه داشت پس از انجام چند سفر استانی که با عدم استقبال مردم روبه‌رو گردید، بیشتر شد و درنتیجه در ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ با صدور بیانیه‌ای ضمن تعریف و تمجید از کروبی و توصیه به وحدت، از میرحسین موسوی حمایت و انصراف خود را اعلام داشت. خاتمی با تجربه و واقع‌بینی‌ای که از انتخابات داشت، توانسته بود تشخیص دهد که پایگاه اجتماعی لازم را برای پیروزی در انتخابات ندارد،**

محمدرضا خاتمی در ادامه بیان اسـتراتژی اصلاح‌طلبان و حزب مشـارکت در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری بیان داشت: «جبهه مشارکت هرچه می‌گذرد بیشتر حزبی و حزبی‌تر می‌شود. در شرایط فعلی اگر آقای خاتمی بیاید بدون هیچ تردیدی کاندیدای ما ـ و فکر می‌کنم همه اصلاح‌طلبان ـ آقای خاتمی خواهد بود. اصلا جای بحث نخواهد داشـت. امّا اگر آقای خاتمی نیاید، ما به عنوان حزب مشارکت ترجیح می‌دهیم نامزد حزبی داشته باشیم».[۳۸۸] وی با بیان این که برای (سید محمد) خاتمی نقش رهبری سیاسـی اصلاحات را قائل هسـتم، در پاسـخ به این که آیا بازگشت به خاتمی نوعی عقبگرد اسـت؟ گفت: «قبول دارم که بازگشـت به آقای خاتمی نوعی عقبگرد باشـد. امّا ببینید ما در کل باید بسـنجیم. در کل این است که ما در شرایط کنونی مملکتی را داریم که در سـه سـال گذشته در سراشیبی قرار گرفته. به لحاظ معادلات بین‌المللی، به لحاظ اقتصادی، به لحاظ فرهنگی و حتی به لحاظ مسائلی که آقایان مدعی بودند آمده‌اند آن را اصلاح کنند . . . گرچه من خودم هنوز قانع نشدم که این کار حتماً به صلاح مملکت هم باشد. قطعاً به صلاح آقای خاتمی نیست که کاندیدای ریاست‌جمهوری شود. امّا این که آیا به صلاح مملکت هم هست یا نه آن را باید بحث کرد و اگر به صلاح مملکت باشد به نظرم باید این عقبگرد را پذیرفت».[۳۸۹]

به همین منظور بسـیاری از اصلاح‌طلبان ویژگیهایی چون مقبولیت و توانایی جذب رأی، اصلاح‌طلب بودن، تناسب با مقتضیات و شرایط زمان، داشتن جایگاه در بین مذهبی ها و بویژه نیروهای منتقد دولت را در سید محمد خاتمی و میرحسین موسوی دیدند. لذا با شروع زمستان ۱۳۸۷ مهم ترین موضوع رسانه‌های جریان دوم خرداد آمدن یا نیامدن هریک از این دو نفر بود.

در این مقطع فشـار گروههایی چون حزب مشـارکت و سـازمان مجاهدین بر سید محمد خاتمی برای حضور در رقابتهای انتخاباتی مضاعف و از خاتمی به عنوان تنها فردی که توانایی شکسـت رقیب اصولگرا را دارد یاد شـد. به همین دلیل حزب مشارکت با صدور بیانیه‌ای که به امضای ۸۸ نفر از سراسر کشور رسیده بود گروه ۸۸ را شکل داد. این گروه شامل ۸۸ نفر از حامیان جوان خاتمی بودند که با هدف دعوت از خاتمی برای حضور در عرصه دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایجاد شده بود.

محسـن میردامادی (دبیرکل حزب مشـارکت) که موافق نظـر «یا خاتمی یا هیچ‌کس» بود، اعتقاد داشت با نیامدن خاتمی، اصلاح‌طلبان با مشکل مواجه خواهند شـد و اگر خاتمی اعلام کاندیداتوری کند، مکانیسم‌های جبهه اصلاحات به گونه‌ای است که درنهایت به وحدت خواهند رسید و در معرفی کاندیدا دچار تکثر و اختلاف نخواهند شد و در این صورت خاتمی رأی لازم را خواهد آورد».[۳۹۰]

امّا سید محمد خاتمی به شدّت مردد بود و علت تردید هم بیم داشتن از شکست در انتخابات دهم و عدم انتخاب مجدد و همچنین در صورت انتخاب، ترس از شرایط جدیـد و این که آیـا می‌تواند با توقعات فراوان یاران اصلاح‌طلـب خود (رادیکالها و افراطیون جریان دوم خرداد) قوّه اجرایی را اداره کند یا خیر؟ تردید خاتمی به ویژه پس از انجام چند سـفر اسـتانی که با عدم استقبال مردم روبه‌رو شد، بیشتر گردید. علاوه بر این، اعلام آمادگی میرحسین موسوی برای ورود به رقابتهای انتخاباتی، مزید بر علّت بود. بالاخره خاتمی پس از اعلام نظرات و واکنشهای گوناگون، در بیستم بهمن ۱۳۸۷ اعلام کاندیداتوری نمود. این اعلام حضور بیش از هر کس دیگری میرحسین موسوی را گله‌مند کرد و وی را به نوشتن نامه‌ای خطاب به خاتمی و گله از او واداشت.

میرحسین موسوی نیز یک ماه بعد در بیستم اسفند ۱۳۸۷ حضور قطعی خود را در انتخابات دهم اعلام کرد و این اعلام ، نگرانیهایی را در جبهه اصلاحات و خصوصاً حزب مشارکت ایجاد نمود.

حضور همزمان سـه نامزد اصلاح‌طلب (خاتمی ـ موسوی ـ کروبی) می‌توانست موجب تقسیم آراء و درنتیجه عدم رأی‌آوری اصلاح‌طلبان در انتخابات شود. لذا احزابی مانند حزب مشارکت که حلقه اصلی اطراف خاتمی را تشکیل می‌داد، تمایل زیادی به کناره‌گیری موسوی داشتند.

با وجود اعلام حضور رسمی، تردیدهای خاتمی که همچنان ادامه داشت پس از انجام چند سفر استانی که با عدم استقبال مردم روبه‌رو گردید، بیشتر شد و درنتیجه در ۲۸ اسـفند ۱۳۸۷ با صدور بیانیه‌ای ضمن تعریف و تمجید از کروبی و توصیه به وحدت، از میرحسین موسوی حمایت و انصراف خود را اعلام داشت.

خاتمی با تجربه و واقع‌بینی‌ای که از انتخابات داشت، توانسته بود تشخیص دهد که پایگاه اجتماعی لازم را برای پیروزی در انتخابات ندارد، لذا سـعی داشـت ضمن کناره‌گیری آبرومندانه به نحوی پایگاه اندک اجتماعی خود را که بیشتر جوانان تشکیل می‌دادند به سوی میرحسین سوق دهد.

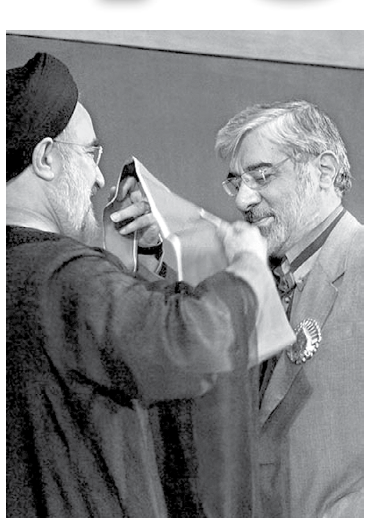

> *** سید محمد خاتمی به شدّت مردد بود و علت تردید هم بیم داشتن از شکست در انتخابات دهم و عدم انتخاب مجدد و همچنین در صورت انتخاب، ترس از شرایط جدید و این که آیا می‌تواند با توقعات فراوان یاران اصلاح‌طلب خود (رادیکالها و افراطیون جریان دوم خرداد) قوّه اجرایی را اداره کند یا خیر؟ تردید خاتمی به ویژه پس از انجام چند سفر استانی که با عدم استقبال مردم روبه‌رو شد، بیشتر گردید. علاوه بر این، اعلام آمادگی میرحسین موسوی برای ورود به رقابتهای انتخاباتی، مزید بر علّت بود.**

انصراف خاتمی به سـان شـوکی برای اصلاح‌طلبان بود. سایت انتخاب (حامی اصلاح‌طلبان) سخنان سعید حجاریان (تئوریسین حزب مشارکت) را در جمع اعضای این حزب منتشر کرد. وی با اشاره به انصراف خاتمی گفته بود: «خاتمی نیامده و با توجه به نفوذ عمده دولت، ما آدم مهمّی نداریم که بتواند با احمدی‌نژاد رقابت کند».[۳۹۱] حتی شـبکه انگلیسی بی‌بی‌سی فارسی که به منظور تأثیرگذاری بر انتخابات ایران راه‌اندازی شـده بود، از قول احمد سلامتیان (عنصر منافق نزدیک به دفتر هماهنگی بنی‌صدر مخلوع) با بررسـی وضعیت اصلاح‌طلبان پس از انصراف خاتمی تأکید کرد: «پس از کناره‌گیری خاتمی اصلاح‌طلبان احتمال تأثیرگذاریشان را بر فضای سیاسی ایران کم می‌بینند و تاکنون هم نتوانسته‌اند نامزد جذابی بیابند که بتواند اکثریتی را که در دوره گذشته انتخابات شرکت نکردند، به پای صندوق بیاورد».[۳۹۲]

همچنین حمیدرضا جلایی‌پور (عضو شورای مرکزی حزب مشارکت) در گفت‌وگو با پایگاه اینترنتی ضد انقلاب روز آنلاین، در حالی که انصراف خاتمی از کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری را بدترین خبر خواند، کناره‌گیری وی را به معنای حرکتی اخلاقی ندانست. وی در موضع‌گیری که نشان از عمق عصبانیت وی از انصراف خاتمی اسـت گفت: «بحثهای تحلیلی مبتنی بر اخلاق ضوابطی دارد، نمی‌شـود هر بحث یا هر کاری را اخلاقی گفت. شـاید بتوان این کار آقای خاتمی را تحلیل کرد».[۳۹۳] وی درباره علت انصراف خاتمی افزود: «الآن تنها چیزی که من می‌فهمم این اسـت که آقای موسـوی که آمد، آقای خاتمی رفتند. یعنی همان صحبتی که خودشـان گفته بودند که یا من می‌آیم یا میرحسین و این ربطی به اخلاق ندارد».[۳۹۴]

البته این اظهارات زمانی مطرح شد که بسیاری از نزدیکان خاتمی که همیشه سـعی داشـتند کارهای خاتمی را مثبت جلوه داده و او از شخصیتی بسیار مهربان و لطیف بسازند، انصراف خاتمی را از نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری یک کار اخلاقی نامیدند. آنان با استناد به سخنان خاتمی که گفته بود: «یا من می‌آیم یا موسوی» تنها دلیل انصراف خاتمی را عمل به این جمله می‌دانستند.

حزب مشـارکت در پـی انصراف خاتمـی از کاندیداتـوری در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری بیانیه‌ای را صادر کرد. در این بیانیه که در روز اوّل فروردین ۱۳۸۸ صادر گردید آمده اسـت: «سال ۸۸ سالی سرنوشت‌سـاز برای مردم ایران است که با رویکرد فعال و سـازنده آنان در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در ۲۲ خردادماه می‌تواند نقطه عطفی در حرکت کشـور به سـوی بازگشـت به آینده‌ای امیدبخش براساس همان شعار دیرین «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» باشد. گذر سه دهه از انقلاب و تجربه‌های تلخ و شیرین و موفقیتها و ناکامی‌ها پشت سر نهاده شده ما را به مطالعه و بهره‌گیری و عبرت‌آموزی توصیه می‌کند تا گذشته را چراغ راه آینده سازیم و با آگاهی و بصیرت به دوره‌ای جدید در تأثیر و تأثر از تحولات زمان و مکان و متکـی بـر درک حوادث واقعه گام برداریم و فرزند زمانه خویش نه اسـیر و عبیر آن باشـیم. از این منظر انتخابات پیش رو برای همه آنانی که دل در گرو آرمانهای رهایی‌بخش انقلاب اسلامی و ارائه الگویی موفق و کارآمد از نظام جمهوری اسلامی بسته‌اند اهمیتی ویژه دارد که با توجه به مجموعه شرایط نگران‌کننده داخلی و خارجی برای ایران می‌توان آن را فرصتی اسـتثنایی برای ایجاد «تغییر سازنده» دانست. بر پایه چنین تحلیل و نگاهی بود که جبهه مشارکت به همراه خیل عظیمی از نیروها و گروههـای اصلاح‌طلب از جناب آقای سـید محمد خاتمی که کوله‌باری از تجربه موفق سالها مسئولیت و مدیریت را به ویژه در دوران هشت ساله ریاست‌جمهوری با خود به همراه داشت، درخواست کرد به عنوان نامزد انتخابات وارد این عرصه شود. ایشـان به رغم میل باطنی و دشـواریهای قابل پیش‌بینی راه در پاسخگویی به این درخواسـتهای فزاینده نخبگان، احزاب و گروههای سیاسـی و اجتماعی و قشرهای مختلف مردم وارد میدان شـدند و اندک زمانی توانسـتند موجی از حرکت و امید و شـور و شـوق را در دل مردم زنده کنند که اوج آن را می‌توان در استقبال پرشور از ایشان در استانهای فارس، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر مشاهده کرد که نوید وقوع دوم خردادی دیگر را می‌داد».[۳۹۵]

۳۸۸- ویژه‌نامه روزنامه اعتماد، به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۶.
۳۸۹- همان.
۳۹۰- هفته‌نامه صبح صادق، احزاب سیاسی ایران، قسمت ۹۹.
۳۹۱- روزنامه کیهان، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۰.
۳۹۲- همان.
۳۹۳- روزنامه کیهان، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۲.
۳۹۴- همان.
۳۹۵- وبگاه رجانیوز، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.

مجتمع فولاد مبارکه

آگهی فراخوان عمومی

شماره فراخوان: ۴۸۳۵۲۹۹۷
موضوع فراخوان: انجام عملیات طراحی و مهندسـی، تهیه و تدارک، سـاخت، حمل، نصب، تسـت و راه‌اندازی، آموزش و تضمین عملکرد سیستم کنترل بویلر واحد ۵۵ شرکت فولادمبارکه
مبلغ ضمانت‌نامه: ۷۵،۰۰۰،۰۰۰(هفتاد و پنج میلیون) ریال
* ضمانت‌نامه فوق می‌بایست در مرحله پیشنهاد قیمت تهیه گردد و درحال حاضر نیاز به ارائه آن نمی‌باشد.
مدارک لازم:
۱- اخذ فرم‌های خوداظهاری از سایت شرکت فولاد مبارکه، تکمیل و تأیید آن‌ها
۲- ارائه رزومه کاری همراه مستندات مربوطه
نحوه دریافت فرم‌های خوداظهاری:
سایت شرکت فولادمبارکه (www.mobarakeh-steel.ir) ←خرید و تأمین کنندگان← خرید← مدیریت قراردادهای خرید← پرسشنامه‌های ارزیابی کیفی پیمانکاران← پیمانکاران EPC
مهلت ارسال اسناد: ۱۳۹۲/۶/۱۶
نحوه ارسال مدارک:
تحویـل کلیه مدارک لازم (فرم‌های خوداظهاری- رزومه کاری) به قسـمت قراردادهای خرید شـرکت فولادمبارکه
* هزینه درج آگهی به عهده پیمانکار برنده مناقصه می‌باشد.
* ارایه مدارک و سوابق هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهدکرد.
درصورت نیاز به اطلاعات فنی با شـماره تلفـن۲۸۷۳-۰۳۳۵۵۴۳ (آقای علوی) و اطلاعات بازرگانی با شماره تلفن ۳۶۴۴-۰۳۳۵۵۴۳ (آقای موسوی‌کیا) تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان
(کد آگهی: ر- ۹۲۱۰۴)

دادنامه

پرونـده کلاسـه ۹۰۰۹۹۸۲۶۱۲۷۰۲۰۰۶ شـعبه ۲۷ دادگاه خانواده کرج
دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۶۱۲۷۰۰۹۴۷
خواهان: خانم مونا خسـروی به نشـانی کرج مهرویلا انتهای خانوشـیروان شرقی س پرنیا پ۴۷۲ واحد۶
خوانده: آقای مهدی الفتیان به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: گواهی عدم امکان سازش

«رأی دادگاه»

در خصوص دادخواسـت تقدیمـی خواهان مونا خسـروی بطرفیت خوانده مهدی الفتیان بخواسـته طلاق با این توضیح که حسب تصویر مصدق سند نکاحیه پیوسـت پرونده طرفین در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱ با یکدیگر به نحو دائم و رسـمی ازدواج نموده و بلحاظ عسـر و حرج خواسـته بشرح فوق از ناحیه زوجه مطرح گردیده اسـت با عنایت به اینکه سعی و تلاش دادگاه و داوران در جهت حصول سـازش ذات البین منتج به نتیجه نگردیده و زوجه با بذل مهریه اصرار بر طلاق داشـته و خوانده علیرغم دعوت در جلسـات شـرکت ننموده و لایحه ای ارسـال نداشته و در مقابل خواسته دفاع و انکاری بعمل نیـاورده و تحقیقات انجام شـده و اظهارات شـهود حکایـت از تائید ادعای خواهان داشـته بنابراین دادگاه با استناد به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و قانون حمایـت خانـواده به زوجه اجازه داده می شـود تا ظرف شـش ماه پس از قطعیت رأی و با مراجعه به یکی از دفاتر طلاق و با داشتن اختیارات حاصله از شـروط ضمـن عقد و بـا بذل مهریه خـود را به نحو خلـع مطلقه نماید. رأی صـادره غیابی و ظرف بیسـت روز پس از ابلاغ قابـل واخواهی در این شـعبه و بیسـت روز قابل تجدیدنظرخواهی و بیست روز قابل فرجام‌خواهی در دیوانعالی کشور می‌باشد.

مرزبان
رئیس شعبه ۲۷ دادگاه خانواده کرج

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم

حسـن کمندی به طرفیت حسـین مقامی خواسته الـزام به تنظیم سـند تقدیـم کرده که به کلاسـه ۱۹۸/۲۶/۹۲ ح ثبت گردیده و مسـتندا به ماده ۷۳ قانـون آئین دادرسـی مدنی یک نوبـت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج و از خوانده فوق‌الذکر دعوت می‌گردد پس از نشـر آگهی در تاریخ ۹۲/۷/۶ راس سـاعت ۹ صبح جهت دادرسی در شعبه قاضی شورا مجتمع شماره سه اهواز حضور یابند و یا قبل از موعد مقرر به دفتر شـعبه مراجعه و با دریافت نسخه ثانی دادخواسـت و ضمائم هرگونه دفاع و پاسـخی به دعوی مطروحه دارند اعلام نمایند. بدیهی اسـت در صـورت عدم حضور و یا عدم ارسـال لایحه وفق مقررات عمل گردد.

دفتر قاضی شورا - مجتمع شماره سه اهواز

شرکت مخابرات استان تهران
(سهامی خاص)

آگهی مناقصه یک مرحله‌ای شماره۹۲/۵م/۲۰

موضوع: عملیات اجرای طرحهای موضعی و تقویت کافوهای مرکز کم‌ظرفیت انجم‌آباد (رباط‌کریم) (بصورت نیمه ترنکی) در محدوده اداره کل مخابرات منطقه۵ تهران
جهـت کسـب اطلاعـات بیشـتر بـه سـایت شـرکت مخابـرات اسـتان تهـران بـه نشـانی WWW.TCT.IR مراجعه فرمایید.

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۲۲۵۰۴۰۰۲۲۶ شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان گرمسار
دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۲۵۰۴۰۰۲۲۳
خواهان: آقای کمال نیکمرام به نشانی تهران تهرانپارس خ ۱۶۲ غربی پ ۳۶ واحد ۱۰
خواندگان:
آقای بهمن نوحه‌گر بقائی به نشانی پاکدشت خ ش مطهری خ رحیمی پ ۸۶ مجهول‌المکان
۲- آقای محمد سـلیمانپور به نشانی پاکدشـت م آزادگان ط فوقانی دفتر امام جمعه دفتر وکالت مهدی کامرانیان
۳- آقای مجتبی مصطفوی به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه طلب
گردشـکار- خواهان دادخواسـتی به خواسـته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شـعبه و ثبت به کلاسـه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق‌العاده/ مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشـکیل اسـت و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می‌نماید.

رای دادگاه

درباره دادخواست خواهان به طرفیت خوانده آقای بهمن نوحه‌گر بقائی به خواسته مطالبه مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت خسـارت تأخیر تأدیه از مورخ ۸۶/۱/۲۸ لغایت تقدیم دادخواسـت و محاسـبه آن تا زمان اجرای دادنامه با احتسـاب خسارات دادرسی نظر به آن که خواهان مستند دعوی را کپی مصدق دادنامه‌های شـماره ۹۰/۲۹۶ و ۹۰/۰۰۳ و ۸۸/۱۰۶ شـعبه محترم ۱۰۲ جزایی و دادنامه شـماره ۹۰/۶۵۷ دادگاه محترم تجدیدنظر قرار داده و خوانده محکوم به تحمل حبس بابت بزه‌های کلاهبرداری و جعل گردیده‌اند و رد مال نیز مورد لحاظ قرار گرفته و دادگاه محتویـات پرونده‌های جزایی را مورد ملاحظه خود قرار داده و کپی آن را نیز ضم پرونده نموده و موضوع را به کارشناسـی ارجاع نموده تا میزان خسارات و تأخیر تأدیه را با توجه به مسئولیت هر یک از خواندگان معلوم نماید که ایشـان نظریه را ارسـال نموده و جمع خسـارات که ناشی از عمل خوانده را مبلغ ۲۴۸/۶۵۴/۳۲۷ ریال بیان نموده و اصل مال که باید عودت شـود مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان است و نصف آن ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که در حکم بدوی اصل در نظر گرفته شـده پس مسـئولیت این خوانده به تأخیر تأدیه مبلغ ۱۷۳/۶۵۴/۳۲۷ ریال می‌باشـد و این نظریه مصون از اعتراض واقع شـده و با اوضاع و احوال مسـلم قضیه مغایرتی ندارد و دادگاه بـه اسـتناد ماده ۲۶۵ قانون آئین دادرسـی مدنی متابعـت از آن را لازم می‌داند و دفاع دیگری ارسال نشده لهذا به استناد مواد ۱۲۸۴ قانون مدنی و مواد ۵۲۲-۵۱۹-۱۹۸ و ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۹ قانون آئین دادرسی مدنی و قواعد فقهـی: (حرمـه مال‌المومن کحرمه دمه) و (من اتلف مال الغیر فهو له ضامن) و (لاضرر و لاضرار فی‌الاسـلام) دعوی مطروحه را ثابت دانسـته و خوانده را به پرداخت مبالغ زیر به نفع خواهان محکـوم می‌نماید. ۱-مبلغ ۱۷۳/۶۵۴/۳۲۷ ریال بابت اصل خواسـته ۲-مبلغ ۴/۹۷۳/۰۸۷ ریال مربوط به هزینه دادرسـی و هزینه کارشناسـی. دایره اجرا موظف است خسارت تأخیر تأدیه راتا زمان وصول محکوم به، محاسبه و از خوانده دریافت و به خواهان بپردازد و درباره مازاد خواسته و همچنان دادخواسـت علیه آقایـان مجتبی مصطفوی و محمد سـلیمان‌پور با توجه به نظریه کارشـناس به لحاظ آن که آن‌ها مسئولیت ندارند و خسارات برای آقای نوحه‌گر بقایی نیز کمتر از خواسـته در نظر گرفته شـده به استناد ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر بی‌حقی صادر و اعلام می‌شـود و درباره دادخواست علیه آقای حسینعلی چهل سواران با توجه به آن که دادخواست مسترد شده به استناد ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی قرار ابطال صادر و اعلام می‌شـود این رای غیابی اسـت و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این شـعبه است و پس از انقضاء ظرف مدت ۲۰ روز دیگر قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.

رئیس شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی گرمسار
حسین عطاری
م الف ۳۹۰

اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی شنبه‌ها
بصورت سراسری منتشر می‌گردد

نوبت اول
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه زاهدان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱۳۳۳۰۲

مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران / منطقه زاهدان
شـرکت ملـی پخش فرآورده‌های نفتـی ایران منطقه زاهـدان در نظر دارد اجـرای پروژه موضوع ذیل را از طریق مناقصه عمومـی به پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
الف: موضوع مناقصه: محوطه‌سازی و جدول‌کاری گرانیتی آیلندها و کف‌سازی بتنی انبار نفت زابل
ب: تاریخ، مهلت، نشـانی محل دریافـت و تحویل اسـتعلام کیفی و اسـناد مناقصه: یک هفته بعد از تاریخ انتشـار دومین آگهی در روزنامه سراسری و قابل برداشت از سـایتهای HTTP://IETS.MPORG.IR و HTTP://MONAGHESE.NIOPDC.IR و همچنین سایت اختصاصی منطقه به آدرس HTTP://ZAHEDAN.NIOPDC.IR می‌باشد.
پ: تلفن‌های تماس: ۳-۲۴۲۸۳۰۱-۰۵۴۱ دبیرخانه کمیسیون مناقصات منطقه داخلی ۱۳۰
ت: نـوع و مبلـغ تضمیـن شـرکت در مناقصـات: پـس از ارزیابـی شرکت‌کنندگان توسط کمیته فنی و بازرگانی منطقه، به شرکتهایی که حائز شـرائط لازم گردیده‌اند و امتیاز قابل قبول در ارزیابی کسـب کرده باشند از طریق دعوتنامه رسمی اعلام خواهد شد.
ج: شرایط متقاضیان: کلیه شرکت‌های توانمند
۱. دارای شخصیت حقیقی و حقوقی
۲. دارای امکانات و تجهیزات و توانایی تخصصی
۳. دارای رتبه حداقل ۵ ابنیه از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری
۴. احراز امتیاز حداقل ۶۰ براسـاس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشـتی، ایمنی و زیست‌محیطی
۵. احراز امتیاز حداقل ۶۰ در ارزیابی کیفی
۶. ارائه خلاصه سوابق کاری مرتبط با موضوع مناقصه
۷. ارائه تصویر اساسنامه شرکت، تصویر آگهی ثبت شرکت با آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، تصویر کد اقتصادی
۸. کلیه مستندات ارائه شده در مناقصه میبایستی اصل و یا برابر اصل باشند.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه زاهدان

آگهی مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت

طبق پرونده متشکله شـماره-۱۵۶۳- آقای محمدابراهیم صفاری نسبت به قسمتی از پلاک-۱- اصلی بخش ۱۷ قزوین واقع در قریه شمسکلایه انتقالی از آقـای محمدعلی صفاری که از طریق هیئت مـواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت درخواسـت رسـیدگی نموده کـه متصرفی نامبـرده طبق رأی شماره-۶۵۵۲- مورخ ۷۴/۵/۱۶ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۱۹/۱۱ مترمربع مورد تایید قرار گرفته لذا به استناد بند۶ ماده یک و ماده دو مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد تا کسـانی که نسـبت به درخواست نامبرده بالا اعتراض دارند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره یا مراجع قضایی تسلیم وگواهی آن را جهت ضبط در پرونده به این اداره تحویل نمایند در غیر این صورت پس از گذشـت موعد مقرر در آگهی اداره ثبت طبق مقـررات اقدام خواهد کرد در هر حال صدورسند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۲/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۲/۵/۲۶

ولی خواجوی کلانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الموت شرقی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

آقای عیسـی ابوالقاسـمی فرد با ارائه وکالت‌نامه شـماره ۱۴۳۸۲۰-۹۲/۳/۲۹ دفترخانه ۱۹۷ تهران به وکالت از آقای ابوالقاسم ملکی با ارائه دو برگ شهادت شهود تصدیق شده مدعی است که سند مالکیت چاپی شماره ۵۰۸۶۸۰ مربوط به ششـدانگ پلاک ۱۰۳ فرعی از ۲۱۶ اصلی واقع در بخش سـه به مسـاحت ۵۵۰مترمربـع که ذیل ثبت ۳۰۲۵۹ صفحه ۴۶ دفتر جلد ۱۳۱ به نام نامبرده سـابقه ثبت داشته و در اثر جابجایی مفقود گردیده است، لذا با استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت به تاریخ ذیل آگهی می‌شـود تا چنانچه هر کسـی مدعی انجام معامله یا وجود سـند مالکیت مذکور نزد خود باشـد از تاریخ انتشار آگهی ظرف ده روز با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره مراجعه تا اقدامات لازم به عمل آید در غیر این صورت پس از انقضای فرجه قانونی مقرر برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۹۲/۵/۲۶

علی اکبر گازر
معاون مدیرکل و سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن

نوبت اول
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه زاهدان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱۳۳۳۲۸۸

مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران / منطقه زاهدان
شـرکت ملـی پخش فرآورده‌های نفتـی ایران منطقه زاهـدان در نظر دارد اجـرای پروژه موضوع ذیل را از طریق مناقصه عمومـی به پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
الف: موضوع مناقصه: ترمیم خاکریـز باندوال فعلی مخازن انبارهای نفت و سـاخت TOEWALL بیـن مخازن انبارهای نفـت زاهدان، زابل، خاش و سوختگیری هواپیمایی زاهدان
ب: تاریخ، مهلت، نشـانی محل دریافـت و تحویل اسـتعلام کیفی و اسـناد مناقصه: یـک هفته بعـد از تاریخ انتشـار آگهـی در روزنامه سراسری و قابل برداشت از سـایتهای HTTP://IETS.MPORG.IR و HTTP://MONAGHESE.NIOPDC.IR و همچنین سایت اختصاصی منطقه به آدرس HTTP://ZAHEDAN.NIOPDC.IR می‌باشد.
پ: تلفن‌های تماس: ۳-۲۴۲۸۳۰۱-۰۵۴۱ دبیرخانه کمیسیون مناقصات منطقه داخلی ۱۳۰
ت: نـوع و مبلـغ تضمیـن شـرکت در مناقصـات: پـس از ارزیابـی شرکت‌کنندگان توسط کمیته فنی و بازرگانی منطقه، به شرکتهایی که حائز شـرائط لازم گردیده‌اند و امتیاز قابل قبول در ارزیابی کسـب کرده باشند از طریق دعوتنامه رسمی اعلام خواهد شد.
ج: شرایط متقاضیان: کلیه شرکت‌های توانمند
۱. دارای شخصیت حقیقی و حقوقی
۲. دارای امکانات و تجهیزات و توانایی تخصصی
۳. دارای رتبه حداقل ۵ ابنیه از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری
۴. احراز امتیاز حداقل ۶۰ براسـاس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشـتی، ایمنی و زیست‌محیطی
۵. احراز امتیاز حداقل ۶۰ در ارزیابی کیفی
۶. ارائه خلاصه سوابق کاری مرتبط با موضوع مناقصه
۷. ارائه تصویر اساسنامه شرکت، تصویر آگهی ثبت شرکت با آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، تصویر کد اقتصادی
۸. کلیه مستندات ارائه شده در مناقصه میبایستی اصل و یا برابر اصل باشند.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه زاهدان

«آگهی فقدان سند مالکیت»

آقای عیسـی ابوالقاسـمی فرد با ارائه وکالت‌نامه شـماره ۱۴۳۸۲۰-۹۲/۳/۲۹ دفترخانه ۱۹۷ تهران به وکالت از آقای ابوالقاسم ملکی با ارائه دو برگ شهادت شهود تصدیق شده مدعی است که سند مالکیت چاپی شماره ۵۰۸۶۷۹ مربوط به ششـدانگ پلاک ۱۰۴ فرعی از ۲۱۶ اصلی واقع در بخش سـه به مسـاحت ۵۶۷/۵۰ مترمربـع که ذیـل ثبت ۳۰۲۵۸ صفحه ۴۲ دفتـر جلد ۱۳۱ به نام نامبرده سابقه ثبت داشته و در اثر جابجایی مفقود گردیده است، لذا با استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ذیـل ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت به تاریخ ذیل آگهی می‌شـود تا چنانچه هر کسی مدعی انجام معامله یا وجود سـند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف ده روز با ارائه اصل سـند مالکیت یا سند معامله به این اداره مراجعه تا اقدامات لازم به عمل آید در غیر این صورت پس از انقضای فرجه قانونی مقرر برابر مقررات نسـبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۹۲/۵/۲۶

علی اکبر گازر
معاون مدیرکل و سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن

«آگهی فقدان سند مالکیت»

آقای عیسـی ابوالقاسـمی فرد با ارائه وکالت‌نامه شـماره ۱۴۳۸۲۰-۹۲/۳/۲۹ دفترخانه ۱۹۷ تهران به وکالت از آقای ابوالقاسم ملکی با ارائه دو برگ شهادت شهود تصدیق شده مدعی است که سند مالکیت چاپی شماره ۵۰۸۶۸۱ مربوط به ششـدانگ پلاک ۱۰۵ فرعی از ۲۱۶ اصلی واقع در بخش سـه به مسـاحت ۴۱۳/۵۰ مترمربـع که ذیـل ثبت ۳۰۲۵۷ صفحه ۳۸ دفتـر جلد ۱۲۷ به نام نامبرده سابقه ثبت داشته و در اثر جابجایی مفقود گردیده است، لذا با استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ذیـل ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت به تاریخ ذیل آگهی می‌شـود تا چنانچه هر کسی مدعی انجام معامله یا وجود سـند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف ده روز با ارائه اصل سـند مالکیت یا سند معامله به این اداره مراجعه تا اقدامات لازم به عمل آید در غیر این صورت پس از انقضای فرجه قانونی مقرر برابر مقررات نسـبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۹۲/۵/۲۶

علی اکبر گازر
معاون - مدیرکل و سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن